



دکتر خیراندیش محله پنج تن برای بیمارانش سنگ تمام می‌گذارد

نسخه‌هایی با چاشنی مهربانی

و درآمد و پرستیژ اجتماعی را با هم به دست آورده‌اند، چنین کاری کند. اصلا می‌توانست در همان محله زندگی اش، مطب دایر کند و به فعالیت پزشکی بپردازد. ولی ترجیح داد یک پزشک عمومی باشد که تخصص اصلی اش، درک عمومی از رنج‌های مردم است. حضور او در محله پنجتن، فراتر از نسخه پیچی و تجویز داروست؛ او بخشی از حافظه جمعی مردم این محله است.

سمیرا شاهیان | نفیسه صابری، پزشک خیراندیش محله پنج تن همه تمرکزش را روی خدمت به بیماران معطوف کرده است و کوشیده از نیازمندان حق و یزیت دریافت نکند. شاید بگویید حرفه اش است و کار خاصی نکرده، اما در هر جنبه از داستان زندگی اش، نشانه‌ای از علاقه و تمایلش به مردم پنجتن دیده می‌شود. او می‌توانست مانند خیلی از پزشکان عمومی که این روزها کلینیک‌های زیبایی تأسیس کرده

یک شیفت اضطرابی

پس از گذراندن پنج سال کاری در شهرستان‌های خراسان رضوی، دکتر صابری به مرکز اورژانس شبانه‌روزی و درمانگاه خیریه امام حسن عسکری (ع) در طرچه‌وشاندین رفت. از حوالی سال ۱۳۹۳، به صورت هم‌زمان در بیمارستان‌های امام حسین (ع)، جواد الائمه (ع) و

بنت‌الهدی (س) در مشهد مشغول شد. سال ۹۳ زمانی که اولین فرزندش بیست روزه بود، یکی از دوستانش تماس گرفت و از او درخواست کرد که در درمانگاه پنجتن ۲۵ به جای اوشیفت بایستد؛ «دلم پرمی کشید برای برگشتن به کار، برای همین گفتم «می‌آیم»، ولی فقط اسم پنجتن را شنیده بودم و نمی‌دانستم چطور خودم را باید به آنجا برسانم».

دکتر صابری ادامه می‌دهد: پزشک عمومی بودن یک مسیر هموار و ساده نیست، به ویژه اگر تصمیم بگیری طبابت را به جایی ببری که حتی اسم خیابان هایش را درست بلد نباشی. مدیر درمانگاه از من خواست به صورت منظم به آنجا بروم و من قبول کردم. خیلی راحت با مردم ارتباط گرفتم و آن‌ها هم من را پذیرفتند. حالا پنجتن برای یک نشانی در نقشه نیست؛ یک تعلق است. جایی که خودش را پیدا کرده و هنوز باور دارد که بودنش در آنجا یک انتخاب نیست، بلکه روزی و قسمت است.

زندگی و خدمت در پنجتن

آغاز راه از مرز محرومیت

دکتر نفیسه صابری سال ۱۳۶۰ به دنیا آمد و پس از تحصیل در دانشگاه، سال ۱۳۸۷ به عرصه پزشکی وارد شد. آغاز خدمت پزشکی اش در مناطق محروم بود، طوری که آن دوره را سخت‌ترین مقطع کاری خود به یاد می‌آورد؛ «دو سال اول کارم را در شهرستان مرزی سرخس گذراندم و با جنبه‌ای از زندگی مردم روبه‌رو شدم که باورش برایم سخت بود؛ از جمله گاهی می‌دیدم افراد دمپایی به پا نداشتند. آنجا با بیماری‌ها و مشکلات واقعی مردم آشنا شدم».

در ادامه، سه سال از فعالیتش را در بیمارستان لقمان حکیم قوچان گذراند؛ جایی که او بود و یک اورژانس و روستاهای اطراف. درباره آن سال‌ها می‌گوید: پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها، تنها پزشک اورژانس شلوغ قوچان بودم. زیرا بیشتر پزشکانش در تعطیلات، راهی مشهد می‌شدند، ولی همان سال‌ها من را برای کارهای سنگین آماده کرد.

